



"مجھول"، احرار هوت و نقش او در پیشرفت پزشکی و داروسازی

* ابوالقاسم سلطانی

گروه طب اسلامی و طب سنتی، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران

چکیده

از بین رفتن آثار علمی مدون ایران در اثر حملات بیگانگان موجب گردیده است که نه تنها گنجینه‌های علمی بلکه نام دانشمندان کشور ما که سهم عظیمی در پیشرفت علوم داشته‌اند برای ما ناآشنا باشد و بیگانگان نقش کشور ما را در پیشرفت علوم نادیده بگیرند. در مطالعه‌ی کتاب الحاوی به اسمی اشخاص و کتب زیادی برخورد می‌کنیم که در هیچ‌یک از کتب تاریخ پزشکی نامی از آن‌ها و تألیفاتشان دیده نمی‌شود. به منظور شناسایی این دانشمندان و آثارشان و سهمی که در پیشرفت علوم پزشکی و داروسازی داشته‌اند ۲۳ جلد کتاب الحاوی (۲۴ مجلد) دقیقاً بررسی شد از جمله‌ی این دانشمندان شخصی به نام مستعار "مجھول" می‌باشد که رازی در ۲۰۸ موضع یک‌سطری تا چند صفحه‌ای از وی نقل قول نموده است. از بررسی این پاراگراف‌ها مشخص شد که مجھول فردی ایرانی و احتمالاً در سده‌ی هفتم می‌زیسته است. رازی شدیداً تحت تأثیر علمی او قرار گرفته و در اغلب موارد نظریه وی را تأیید می‌نماید و با جملاتی نظری معظم، مجرّب و به او اعتماد کن مقام علمی او را ارج می‌نهد. وی اوّلین فردی است که در پزشکی از پیبه استفاده نموده است وی Day Blind را "روزکور" نامیده، مواردی از کاتاراکت را که به جراحی نیاز دارد ذکر نموده است وی اوّلین فردی است که متوجه اشتباهات جالینوس شده و با ایراد گرفتن به جالینوس عصر جدیدی را در امر تحقیقات بازنموده است.

واژگان کلیدی: مجھول، رازی، الحاوی

کرده به اعراب دادند" و سپس تحقیقات دانشمندان قرون

اولیه‌ی هجری میهن ما را به اعراب نسبت داده‌اند (۱).

در پاسخ به چنین اظهاراتی، باید گفت قرن‌ها قبل از شکوفایی علوم در یونان، در آن هنگام که در یونان هر محلی برای خود خدای مخصوصی داشت، گاهی یک خدا سقوط می‌کرد و خدای تازه‌ای روی کار می‌آمد و زمانی که مجازوب خدای بیگانگان مانند ایزیس و ازیریس مصری یا استارت فنیقی‌ها و یا پرسنلدهی عقاب زئوس می‌شدند، زرتشت چنین

۱. مقدمه

از بین رفتن آثار علمی مدون ایران در اثر تاخت و تاز و حملات بیگانگان موجب گردیده است که برخی محققان خارجی سهم ایران را در پیشرفت تمدن بشر نادیده گرفته و حتی چنین اظهار نمایند که "ایرانیان به پیشرفت علم پزشکی کمک زیادی نکرده‌اند. ایران از طرفی از علوم و فرهنگ یونان و از طرف دیگر از فرهنگ شرقی استفاده نموده و بعد که اختر تمدن یونان و روم افول کرد، ایرانیان علوم یونانی را نگهداری

نشده است (۴). رازی از وی در الحاوی در ۲۰۸ موضع نقل قول‌های یک‌سطری تا چند صفحه‌ای می‌نماید. نظریه‌ی رازی با ذکر "لی" در پایان برخی پارگراف‌ها مبین آن است که رازی شدیداً تحت تأثیر افکار علمی وی قرار گرفته است (۵).

عنوانی نقل قول‌های رازی از "مجھول"

- ۱- من کتاب مجھول: ۲۱۸/۱۰ (جلد ۱۰ صفحه‌ی ۲۱۸)، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۸۷ (در جلد ۱۰ صفحه‌ی ۲۶۱ رازی نظریه‌ی خود را چنین بیان می‌نماید "به این اعتماد کن")
- ۲- من کتاب مجھول: ۷۳/۹، ۱۲۳، ۸۲/۱۰، ۳۳۷، ۴۲۴/۲۰
- ۳- من کتاب مجھول معظّم مجرّب: ۲۳: قسمت دوم ۱۱۸/ ۲۶۸
- ۴- من کتاب مجھول دوae للزحیر عمل الجندي عجیب
- ۵- قال صاحب کتاب مجھول ۱۸۲/۸
- ۶- مجھول من منافع الاعضاء قال: ۱۸۸/۱۰ (منافع الاعضاء تأليف جالينوس است)
- ۷- من تذکره عبدالوس، مجھول یذهب به آثار الجدری (آبله) عجیب: ۲۸/۱۷
- ۸- ابن ماسویه، مجھول للشقیقہ: ۴۶۴/۱
- ۹- و از فی مجھول، قال: ۱۵۶/۱۶
- ۱۰- مجھول، فایق: ۲۴۹/۱۰
- ۱۱- مجھول (بقیه‌ی نقل قول‌ها) شماره‌ی جلد و صفحات نقل قول‌ها از مجھول جلد ۱: ۶۶، ۱۸۱، ۱۶۹، ۹۹، ۱۹۷، ۱۸۱، ۲۵۵، ۲۵۰-۲۵۱، ۳۱۴، ۴۱۶، ۳۳۰، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۵۳-۴۵۰، ۴۵۰، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۹۲-۴۹۱.
- جلد ۲: صفحات، ۲۱، ۱۳۰، ۱۴۴، ۱۵۴، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۸۵.
- جلد ۳: صفحات ۸۹-۹۰، ۱۰۶، ۱۰۶، ۱۴۳، ۱۵۴، ۲۱۳، ۲۱۴.
- جلد ۴: صفحات ۲۱، ۲۴-۲۵، ۴۱-۴۲، ۶۸، ۱۲۰.
- جلد ۵: صفحات ۹۴، ۱۲۷، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۷۷، ۱۸۳، ۲۰۷، ۱۸۳.
- جلد ۶: صفحات ۳۱، ۱۴۹، ۱۸۲، ۱۷۴، ۱۷۳، ۲۰۰.
- جلد ۷: صفحات ۲، ۴، ۱۳، ۱۷، ۲۶، ۴۵، ۲۵-۲۶، ۵۷، ۹۷-۹۹.

می‌گوید: "ای خداوند خرد هنگامی که در روز ازل جسم و جان آفریدی و از منش خویش نیروی اندیشیدن و خرد بخشیدی، زمانی که به تن خاکی روان دمیدی و به انسان نیروی کارکردن ... (۲) و گزنهون (نیمه‌ی اوّل قرن چهارم ه.ق) می‌نویسد: کوروش گوید تا موقعی که روح در کالبد ماست مایه‌ی زندگی تن است. پس از مرگ روح به عالی‌ترین مدارج ترقی خود می‌رسد و با رسیدن مرگ هریک از اجزای ترکیب به عنصر اصل خود بر می‌گردد (سیرت کوروش کبیر) و مقدس بودن عنصر یا زهک یا آخشنیج (جمع = اخشیجان: آب ATAR، خاک ZAM، باد و هوا VATA)، گفتار هردوت معاصر بقراط که تأثیر آب و هوا بر طبیعت انسان به نقل از کوروش بیان می‌نماید (۳) با چنین طرز تفکر و وجود مکاتب پزشکی مزدیستا، سده‌ی اکباتان و قدمت تاریخی این مکاتب بر مکاتب پزشکی کوس و کروتون، دانشگاه جندی‌شاپور و پزشکان دوره‌ی ساسانی نظری "بادان ایرانی"، "ماروتان"، "بوذایرانی" (۵۷۹ م.). بروزیه، جبرائیل سنجاری، مگر می‌توان قبول کرد که تألفاتی تداشته‌اند. ابن ندیم ذیل عنوان "مترجمان فارسی به عربی" اسمامی ۱۴ نفر و نیز خانواده‌ی نوبخت را ذکر می‌نماید که برخی یک و برخی چندین کتاب را از فارسی (پهلوی) به عربی ترجمه کرده‌اند." (۴).

وجود واژه‌های پارسی مانند، جوارش (عرب گوارش) خسروی، جوارش اسقف، جوارش شهریاران، جوارش کسری، قرص اندرؤماخون (در ترکیب پادزه‌ر مترو دیطوس (مهرداد ششم زمان اشکانیان)), معجون برمکی. این انگیزه را به وجود آورد که با مطالعه‌ی کتاب الحاوی شاید بتوان تا اندازه‌ای به چگونگی وضع پزشکی در ایران باستان پی‌برد. با مطالعه‌ی دقیق و بررسی چندین ساله‌ی ۲۳ جلد کتاب الحاوی (۲۴ مجلد)، تعداد زیادی اسمامی اشخاص و کتب استخراج شد که در هیچ‌یک از کتب تاریخ‌پزشکی نظری الفهرست، طبقات الاطباء و الحكماء، عيون الابباء و ... نامی از آن‌ها برده نشده و یا با کلماتی مانند منحول، مجعلول و دروغین از کنار این اسمامی گذشته‌اند. اما درباره‌ی فرد یا اثری که رازی در الحاوی به نام "مجھول" آورده، ابداً در کتب تاریخی نامی برده

۲- وجود واژه‌های پهلوی، فارسی در پاراگراف‌های مربوط به مجھول مانند اسفیوس (برزقطونا) ۴/۱، اسفیناج (اسفاناخ) ۱/۸، کاربا (کهربا) ۷/۲۵، بهمن، بهمنان (دو بهمن سرخ و سفید) ۱۰/۱۱، ۲۰/۲۶، بار زد (قنه) ۴۰ دوّم ۲۳، ترنجین ۱/۸، ۲۰/۲۶، نانخه (کمون ملوكی) ۱۰/۲۹، هزارچشان ۱۰/۲۸، ۲۰/۲۸، نانخه (کمون ملوكی) ۱۰/۲۹، (فاسرا) ۷/۳۰، آزاد درخت ۱۹/۲۳، ۷/۳۷، دوّم ۷/۱۷، می بختج (عقیدالعنب، آبانگوری که براثر تبخیر یک سوم آن باقی‌مانده باشد) ۸/۱۶، ۷/۱۴، سرمه (کحل) ۲/۱۲۰، آبن ۱/۲۵۵ و
توضیح: اسمای داخل پرانتز نام مشهور در طب‌ستّی می‌باشد که به نقل از پزشکان دیگر در الحاوی آمده است و واژه‌های بهمن، آزاد درخت، آبن (از ابداعات ایرانیان عهد باستان) از فارسی در زبان عربی وارد شده است.

باتوجه به مراتب فوق اصطلاحات و مفاهیم به کار رفته و ذکر نام شهر و محل مانند روزکور (جهر DAYBLIND) ۲/۹۱، ۲/۹۰ روشنایی، ۲/۹۱، انجدان کرمانی ۱۶/۱۵، کمون، صتر کرمانی (نام امروزی زیره‌ی کرمانی) ۳/۹۰-۹۰، صتر فارسی (نام امروزی در عطاری‌ها: آویشن شیرازی) ۱۶/۱۵، ۷/۴۵ (ترکیب دارویی ساخت حکماء فارس برای محافظت جنین) (۶) مشخص می‌شود که "مجھول" ذکر شده در الحاوی ایرانی بوده است.

تعیین زمان زیست مجھول

از عنوانین نقل قول‌های رازی در الحاوی که در فوق ذکر شد مشخص می‌شود که:

۱- مجھول پس از جالینوس (مؤلف منافع الاعضاء) و قبل از عبدالوس می‌زیسته است.

۲- هویّت فایق و واژه‌ی مشخص نیست و در سایر کتب نامی از آن‌ها برده نشده است و فایق که رازی در ۶/۲۱۴، ۷/۳۳، ۷/۳۳، ۱۰/۲۰، ۱۱/۳۱۵ و ۱۱/۱۷ از وی نقل قول نموده است غیراز فایق، ابوالفتح عثمان بن حنین (نحوی) متوفی ۹/۳۲، هجری قمری است که بعداز رازی می‌زیسته است. با توجه به این که در صفحه‌ی ۱۷ جلد ۱۱ حاوی آمده است "من کتاب الفائق، المخرج من کتاب اهرن" معلوم می‌شود فایق قبل از اهرن (واخر قرن ششم میلادی) می‌زیسته است.

- . ۱۴۱، ۱۷۴، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۴۱، ۲۸۴، ۲۷۲، ۲۶۷، ۳۰۸، ۳۲۱
- جلد ۸: صفحات ۱۷، ۲۶، ۵۸، ۱۰۰، ۱۲۷، ۱۴۴، ۱۴۷
- ۱۶۲، ۱۸۴، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۱۸، ۲۱۹
- جلد ۹: صفحات ۳۲، ۶۰، ۷۳، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۵۸، ۱۲۳
- ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۹۲-۱۹۱
- جلد ۱۰: صفحات ۸۲، ۱۰۳، ۱۳۷، ۱۳۶، (۲ موضع)، ۱۶۴
- ۱۷۵، ۱۸۲، ۱۸۸، ۱۹۴، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۳۱، ۲۴۹
- ۲۵۹، ۳۰۶، ۳۰۰، ۲۸۷، ۲۶۵، ۲۶۲، ۲۶۱، ۳۰۹-۳۱۲، ۳۱۷، ۳۱۵، ۳۰۹-۳۱۲
- جلد ۱۱: صفحات ۵، ۲۱، ۲۸، ۶۷، ۷۹، ۹۰، ۱۴۸
- ۱۴۹، ۲۰۵-۲۰۶، ۲۰۶، ۱۸۱
- جلد ۱۲: صفحه‌ی ۲۳
- جلد ۱۴: صفحه‌ی ۲۵۰
- جلد ۱۵: صفحه‌ی ۲۷
- جلد ۱۶: صفحات ۱۵۷-۱۵۶
- جلد ۱۷: صفحات ۷۴، ۲۸، ۶۸
- جلد ۱۸: صفحه‌ی ۱۰۰
- جلد ۱۹: صفحات ۵۶، ۵۲، ۲۵۵، ۲۷۱، ۳۲۹، ۱۹۲
- جلد ۲۰: صفحات ۴۲۴، ۲۱۸، ۳۲۶، ۵۶
- جلد ۲۱: صفحات ۲۴۸، ۳۰۵، ۲۹۲
- جلد ۲۳ قسمت اول: صفحات ۷۳، ۱۱۸، ۳۱۴، ۳۱۲، ۳۱۵
- جلد ۲۳ قسمت دوم: صفحات ۸، ۴۰، ۴۵، ۶۷، ۷۱، ۶۲
- ۷۶، ۱۶۵، ۱۵۱، ۱۲۴، ۱۱۸، ۹۶، ۸۷-۸۷، ۷۷، ۷۶، ۷۴، ۲۱۴، ۲۰۸-۲۰۷، ۲۰۵، ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۸

تعیین ملیّت مجھول:

- ۱- مجھول از موادی نام می‌برد که یونانی‌ها و رومی‌ها نمی‌شناخته‌اند و در کتاب دیاستوریدس ذکری از آن‌ها به میان نیامده است مانند کافور ۱/۱۴۰، (ج ۱ ص ۴۵۰)، ۶/۱۸۲، طبری ۳/۱۰، ۱۰/۱۸۹، ۱۰/۳۲۰، طین خوزی ۲۳ قسمت دوم / ۲۰۵، سبستان ۱۰/۱۸۱، ۷/۲۱۸، ۸/۲۱۶، حب القطن ۱۰/۳۰۹، تمرهندی ۲۳ دوّم ۸/۱۷۸، هلیله‌ی کابلی ۱۱/۷۸، ۲۳ دوّم ۸/۱۱۶، قافله ۲۱/۳۰۵، طباشیر ۱۵/۲۷، املج ۲۳ دوّم ۸/۱۱۵، فانیزد ۸/۲۱۸.

"رازی" است چنین آمده است: «انقباض و اتساع عنیه مربوط به عضلاتی است که آنرا منقبض و منبسط می‌نمایند. چنان‌چه این عضلات دچار اشکال شوند عمل انبساط و انقباض چشم مختل می‌شود و جالینوس به علت این‌که این عضلات را نمی‌شناخته است این بیماری را در اثر سدیه چشم دانسته است بنابراین در این بیماری باید عضله‌ای را که کار آن مختل شده است درمان نمود. همچنین جالینوس بیماری عشاء (شبکوری) را در اثر غلیظ شدن روح باصره دانسته است درحالی‌که ما علت آن را غلیظ شدن جلیدیه می‌نامیم که شی از نزدیک مشاهده نمی‌شود و همچنین از دور، غلیظ شدن جلیدیه باعث می‌شود که تصویر درست برروی آن نیفتد.» (ج ۱۷۳-۱۷۴)

داروشناسی: گذشته از گیاهان دارویی که تا آن زمان شناخته شده بود و نویسنده تجربیات خود را به آن‌ها افزوذه است، چندین گیاه ایرانی را برای اوئین بار نام می‌برد که از آن جمله بهمن، آزاد درخت، سپستان و ترنجین می‌باشد. کاربرد پنبه در پزشکی: وی اوئین فردی است که پنبه را در پزشکی به کار برد است. وی همچنین طرز جدا کردن روغن را از پنبه‌دانه ذکر کرده است، ۳۱۲/۹۰، ۱۰-۹۱/۲ ترکیبات دارویی که مجھول نامبرده است عبارتند از: قطره‌های چشمی، شربت‌ها، عصاره‌ها، گوارش‌ها، قرص‌ها، حب‌ها و خضاب‌ها (مواد آرایشی) - در ترکیبات شربت‌ها شکر وارد شده است درحالیکه ترکیبات دارویی ساخته شده در یونان و روم قدیم فاقد شکر بوده است و اصولاً تهیه‌ی فراورده‌های شکردار از دانشگاه جندی‌شاپور شروع شده است.

-۳ در جلد ۱ صفحه‌ی ۴۶۴ ابن‌ماسویه از مجھول نقل قول کرده است.

-۴ معمولاً رازی نقل قول از مجھول را مقدم بر ماسرجویه و پزشکان بعد از وی ذکر می‌نماید، به عنوان مثال: مجھول، ماسرجویه، ابن‌ماسه، خوزی.... (جلد ۲۰ صفحه‌ی ۲۱۱) لذا احتمالاً مجھول در سده‌ی هفتم میلادی می‌زیسته و به‌طوری‌که در ۲۶/۸ آمده است "من کتاب مجھول دوae للزحیر عمل الجندي عجيب" با دانشگاه جندی‌شاپور در ارتباط بوده است.

شناخت و درمان بیماری‌ها از نظر نویسنده‌ی کتاب مجھول

به‌طورکلی رازی درمورد تمام بیماری‌ها از این کتاب مطالبی را در الحاوی آورده است که امکان ارایه‌ی آن‌ها در این مختص نمی‌گنجد به عنوان مثال در جلد ۹ صفحات ۱۱۷، ۱۲۳ و ۱۵۸ برای حاملگی، جلوگیری از آن؛ مشخصات اسپرم قابل باروری، در جلد ۱۱ درباره‌ی انواع کرم‌ها و در جلد ۲۳ قسمت دوم درباره‌ی درمان بیماری‌های جلدی نظیر برص، آبله، سالک و ترکیبات آرایشی رازی از وی نقل قول نموده است. وی اوئین فردی است که سالک یا CUTANEOUS LEISHMANIASIS، FURUNCULUS ORIENTALIS را ذکر نموده و آن را "بلخیه" نامیده است (۲۳/۲ ص ۷۶). در این مورد باید گفت اخوینی در قرن سوم هجری نیز اوئین فردی است که علت این بیماری را گزیدن پشه دانسته و این بیماری را "ریش‌بلخی" نامیده است.

وی بیماری‌های چشم را طبقه‌بندی کرده و درمان رمد رطب HUMID CONJUNCTIVITIS، RMD یا ساق ULCERATIVE BLEPHARITIS، XEROPHTHALMIA (۱۹۳/۲)، دوربینی، نزدیکی‌بینی، اطلام العدسه یا ساده العین CATARACT و انواعی از آن‌را که باید جراحی شود و ۴ نوع طفره PTERYGIUM ذکر نموده است (۲۳/۲) وی DAY BLIND را بنام فارسی "روزکور" (خفش و جهر در کتب سنتی) ۲۶۳/۲، شرح داده و به‌نظر می‌رسد که وی اوئین فردی است که این بیماری را شناخته است.

در یک پاراگراف که نویسنده‌ی آن معلوم نیست "مجھول" یا

منابع

۱. گارلند، جوزف: تاریخ پزشکی. ترجمه‌ی مجتهدی، علی‌اکبر. انتشارات حقیقت تبریز با همکاری مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین، تهران، ۱۳۴۱.
۲. گات‌ها: سرودهای زرتشت، ترجمه و تفسیر: آذرگشتب، فیروز. سازمان انتشارات فروهر، گات‌یسنا ۳۱ بند ۱۱، ۱۳۵۱.
۳. سارتون، جرج: تاریخ علم. ترجمه‌ی آرام، احمد. مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات امیرکبیر، تهران. ص: ۳۹۴، ۳۹۶، ۱۳۳۶.
۴. الگود، سیریل: تاریخ پزشکی ایران. ترجمه‌ی محسن جاویدان. انتشارات اقبال، تهران. ۱۳۵۲.
۵. هروی، حکیم محمد صالح: تحفه‌الصالحین یا قرابادین صالحی. چاپ سنگی، تهران، ص: ۲۴۴، ۱۲۸۳.
۶. رازی، ابوبکر محمدبن زکریا: الحاوی فی الطب. انتشارات دایره‌المعارف عثمانیه، دکن، ۱۹۷۱.

بیست و سه جلد کتاب الحاوی

- جزء الاول: فی امراض الرأس، طبعه‌الثانیه، حیدرآباد دکن، هند، سند ۱۳۹۴ هـ ۱۹۷۴ م.
- جزء الثانی: فی امراض العین دارالكتب العلمیه - بیروت - لبنان، ۲۰۰۰ م.
- جزء الثالث: فی امراض الاذن و الانف والاسنان - چاپ حیدرآباد دکن، هند ۱۹۵۷ م.
- جزء الرابع: فی امراض الرئه - دارالكتب العلمیه - بیروت - لبنان، ۲۰۰۰ م.
- جزء الخامس: فی امراض المري و المعده و ما يتعلق بذالک - چاپ حیدرآباد دکن، هند ۱۹۶۷ م.
- جزء السادس: فی الاستفراغات و التسمین والهزال، چاپ حیدرآباد دکن، هند ۱۹۵۸ م.
- جزء السابع: فی امراض الثدي والقلب والكبд والطحال - چاپ حیدرآباد دکن - هند ۱۹۵۸ م.
- جزء الثامن: فی امراض الامعاء، الطبعه‌الاولی، چاپ حیدرآباد دکن - هند ۱۹۵۹ م.
- جزء التاسع: فی امراض الرحم والحمل، چاپ حیدرآباد دکن هند ۱۹۶۰ م.
- جزء العاشر: فی امراض الكلی و مجاری البول وغيرها، چاپ حیدرآباد دکن هند ۱۹۶۱ م.
- جزء الحادی عشر: فی الحیات و الدیدان فی النبض والبواسیر و الحدب و النقرس والدوالی وداء الفیل وغيرها، الطبعه‌الاولی - بمطبعه‌ی مجلس دایره‌المعارف العثمانیه - به‌حیدرآباد دکن - الهند ۱۹۶۲ م.
- جزء الثاني عشر: فی امراض السرطان والأورام والدمامیل و الدبیلات و ما يحلل جسام القروح والرشبد وغيرها، به‌مطبعه‌ی مجلس دایره‌المعارف العثمانیه - حیدرآباد دکن الهند ۱۹۶۲ م.
- جزء الثالث عشر: فی امراض الرض و النفح الذى پنشق منهی حیدرآباد دکن الهند ۱۹۶۲ م.
- جزء الرابع عشر: فی الحمیات والبیاز والقی و غيرها، حیدرآباد دکن - هند ۱۹۶۳ م.
- جزء الخامس عشر: فی الحمی المطبیه والامراض الحاده الطبعه‌الاولی، حیدرآباد دکن هند ۱۹۶۳ م.
- جزء السادس عشر: فی حمیات الدق والذبول والنافض والحمیات التي لا تسخن، هند ۱۹۶۳ م.
- جزء السابع عشر: فی الجدری والخصبه والطوعین، حیدرآباد دکن هند ۱۹۶۴ م.
- جزء الثامن عشر: فی البحران و ما يتعلق به حیدرآباد دکن - هند ۱۹۶۴ م.
- جزء التاسع عشر: فی اليول و ما يتعلق به والنھش والسموم - حیدرآباد دکن هند ۱۹۶۶ م.
- جزء العشرون: فی الادویه المفرده، الطبعه‌الاولی، باب حیدرآباد دکن هند ۱۹۶۷ م.

جزء الحادى و العشرون (القسم الاول)، فى الادويه المفرد، المطبعه الاولى، چاپ حيدرآباد دکن ۱۹۶۸ م.

جزء الثانى والعشرون: فى الصيد له و فى جداول استنباط الاسماء و الاوزان و المكاكيل، المطبعه الاولى، مطبعه مجلس دایره المعارف العثمانیه حيدرآباد دکن الهند ۱۹۷۱ م.

جزء الثالث والعشرون (القسم الثاني)، فيما يعرض للجلد من البهق والبرص والجذام و غيرها فى خضاب الشعرواليد، الطبعه الاولى، به مطبعه مجلس دایره المعارف العثمانیه - حيدرآباد دکن الهند ۱۳۹۰ هـ / ۱۹۷۰ م.